

**با گذشت یک سال از دولت جدید هنوز برای درج نام مادر در کارت ملی قدمی برداشته نشده**

## مداران غایب

**علی ربیعی** سخنگوی دولت قبل در سال ۹۹ اعلام کرده بود که قرار است صدور کارت‌های هوشمند ملی برای متقاضیان کارت، از ۱۴۰۱ به بعد شامل نام مادر هم باشد، طرحی که با شروع دولت سیزدهم حتی دیگر صحتی هم از آن به میان نیامد.

صفحه ۸

### سرمقاله

## توقف در ایستگاه پادمان



جاوید قربان‌اوغلی

با گذشت بیش از ۱۷ ماه از دور جدید مذاکرات هسته‌ای و پشت سر گذاشتن هشت دور مذاکره، احیای توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) چنان‌که از اخبار اندک منتشره از سوی منابع غربی از «دیپلماسی نامه‌نگاری» بین ایران و آمریکا مستفاد می‌شود، در ایستگاه پادمانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی متوقف شده و چانه‌زنی‌ها این بار بر حل‌وفصل پرونده ایران در آژانس متمرکز است. از محتوای پاسخ‌های ایران و آمریکا به طرح جوزپ بورل اطلاعاتی در دست نیست و محتوا و جزئیات نامه‌های تبادل‌شده بین ایران و آمریکا از طریق بورل تاکنون محرمانه مانده و چیزی از آن در اختیار رسانه‌ها قرار نگرفته است. هرچند پاسخ اولیه ایران به جمع‌بندی جوزپ بورل در هشت دور مذاکره و ارائه آن در قالب طرحی به ایران و آمریکا، آمریکا، امیدواری‌های فراوانی را برای دستیابی به توافق ایجاد کرد. اتحادیه اروپا از زبان بورل از پاسخ ایران اظهار خرسندی کرد؛ به‌ویژه اینکه آمریکا بلافاصله پس از دریافت طرح اتحادیه با آن موافقت کرده بود. باوجوداین آمریکا آخرین پاسخ ایران در مکاتبات دیپلماتیک را «نامیدکننده و گامی به عقب» توصیف کرد و برخی منابع آمریکایی از احتمال تعویق مذاکرات به پیس از انتخابات کنگره (نوامبر) سخن گفتند. آقای رئیس‌جمهور در آخرین مصاحبه مطبوعاتی که چند روز قبل انجام شد، چهار موضوع (شرط) را برای انجام توافق خوب و پایدار مطرح کرد؛ تضمین‌های اطمینان‌بخش، راستی آزمایی، پایداربودن رفع تحریم‌ها و نهایتاً بسته‌شدن ادعاهای سیاسی درباره پادمان. فضای مه‌آلود حاکم بر مذاکرات و اطلاعات قطره‌چکانی موجود درباره اختلافات ایران و آمریکا برای نهایی‌کردن توافق هرگونه گمانه‌زنی درباره زمان دستیابی به توافق را دشوار می‌کند. باوجوداین موارد زیر را می‌توان در چشم‌انداز مذاکرات به‌عنوان بارقه‌های امید از یک سو و موانع پیش‌رو از سوی دیگر مطرح کرد.

۱- آمریکا در احیای توافق جدی است. دلیل این امر شرایط حاکم بر جهان و آسودگی خاطر آمریکا از خلاص‌شدن از کابوس «ایران اتمی» است. تا قبل از اقدام ناشیانه ترامپ (احمقانه در زبان سیاست‌مداران آمریکا) با توافق ۲۰۱۵ (برجام) آمریکا از کنترل رفتار هسته‌ای ایران و گریز هسته‌ای مطمئن بود.

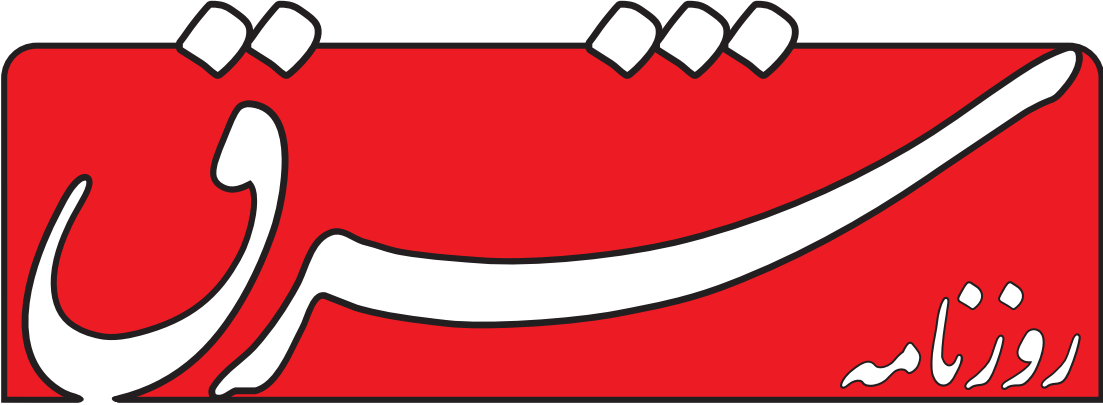
۲- موضع ایران در بیان مسئولان روش، مثبت و امیدوارکننده و معطوف به آمادگی برای توافق خوب و پایدار است. با این حال مشکل در تفسیر گزاره «توافق خوب و پایدار» در بخش‌های مختلف کشور است، با اینکه برخلاف فشار مجلس بر دولت در دوره روحانی مسیر مذاکرات به نحو کاملاً روشنی از قانون صیانت دور شده و تصویب‌کنندگان آن جایگاهی در مذاکرات ندارند، اما فشار «محافل خاص» مخالف توافق بر دولت را نمی‌توان کاملاً از نظر دور داشت.

۳- اروپا در شرایط وخیم ناشی از جنگ اوکراین و بحران انرژی بیش از دیگر اطراف ۵+۱ خواستار و مشتاق احیای توافق هسته‌ای است. باوجوداین برجسته‌کردن «زمستان سخت» و امیدوارکردن تصمیم‌گیران در سیاست «صبر و انتظار» برای گرفتن امتیازات بیشتر شرط‌بندی غیرمنطقی است. محاسبه فایده-هزینه تأخیر در توافق و آنچه تصور می‌شود از این زمستان عاید ما خواهد شد، کار چندان دشواری نیست. سخن فلان روزنامه در توصیه برای صبوری را نمی‌توان جدی ارزیابی کرد؛ ولی توییت مشاور تیم مذاکره‌کننده در دمیدن امید واهی به بحران انرژی اروپا و پختن نانی در تورر زمستان سرد اروپا نشانه‌ای از تحلیل‌های ناصواب و گمراه‌کننده در توافقی است که ما بیش از طرف مقابل به آن نیازمندیم. بزرگ‌نمایی نقش سه کشور اروپایی، بحران انرژی و تأثیر ورود نفت ایران در حل این بحران به نفع روند مذاکرات معطوف به هدف نیست. توافق، راه صادرات عادی نفت ایران به بازار جهانی است. تأثیر آن بر کاهش قیمت نفت و از آن طریق کاهش قیمت بنزین و سایر فراورده‌ها را نمی‌توان انکار کرد. مشکل فوری اروپا در زمستان گاز است که ایران در شرایط فعلی فاقد امکان صادرات آن از طریق لوله یا کشتی (الان‌جی) است. مزیت ایران منابع عظیم گاز و برنامه‌ریزی برای جایگزینی گاز روسیه است که باید آن را جدی گرفت و در دستور کار قرار داد.

۴- باوجوداین نباید دیپلماسی با اروپا را کنار گذاشت. قاره سبز همواره جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی ایران داشته است. در شرایط کنونی نیز سرمایه‌گذاری شرکت‌های اروپایی می‌تواند نقش مهمی در احیا و فعال‌کردن صنایع نفت و گاز ایران و تأمین بخشی از نیاز اروپا داشته باشد که باید آن را جدی گرفت و سناریوهای آن را طراحی کرد. از منظر سیاسی نیز چنان‌که مشاهده می‌شود، اسرائیل به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر مخالف پس از ناکامی در فشار به آمریکا، از طریق اروپا و آژانس درصدد مانع‌تراشی در دستیابی به توافق است. موضوع حل اختلافات ایران با آژانس هرچند مسبق به سابقه است، اما سخنان مکرون در الجزایر و تأکید بر جد‌کردن مسئله پادمانی از اصل توافق، ایده‌ای بود که پس از سفر مقامات اسرائیل به پاریس از زبان مکرون بیان شد.

۵- قبلاً در همین ستون نوشتم و همچنان بر این باورم که با پذیرش ایران برای تفکیک موضوع خروج سپاه از لیست گروه‌های تروریستی آمریکا (FTO) از مذاکرات برجام حل‌وفصل اختلافات ایران با آژانس کار دشواری نیست. موضوع آژانس بیش از آنکه فنی باشد، سیاسی است.

ادامه در صفحه ۵



سه‌شنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۱ • ۹ صفر ۱۴۴۴ • ۶ سپتامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۶۸ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

**فهرست جهانگیری از مشکلات اقتصادی ریزو درشت که دست و پای دولت قبلی را بسته بود**

## نوستالژی تلخ

شرق: کتاب «بدون دود و آتش و خون» روایت‌های جالب و جدیدی را در گفت‌وگو با رئیس‌جمهور سابق و دولتمردانش منتشر کرده است. این کتاب که نوشته بهراد مهرجو و ولی خلیلی است، «گزارشی تحقیقی درباره اثرات تحریم‌ها بر اقتصاد ایران» را در بر گرفته و پیده از رازهای مگویی برداشته است…

صفحه ۲

**در «شرق» امروز می‌خوانید: میخائیل گورباچف، مردی که به شوروی تعلق داشت، فرصتی برای درخشیدن بامدادی تیم ملی: والیبال تایم و یادداشت‌هایی از قادر باستانی، محمود فاضلی، رضا صدیق**

**محمد بحرینیان و ارزبایی یک پرسش راهبردی؛ چگونه ذی‌نفعان آگاه و تصمیم‌گیران ناآگاه اقتصاد کشور را به ورطه نابودی می‌کشانند؟**

# تولیدکنندگان بحران

گزارش تیریک را در صفحه ۴ بخوانید



**تصمیم‌گیری درباره اسکوپچ و مهدوی کیا جلسه سرنوشت‌ساز در سئول**

۹

### یادداشت روزنامه‌نگاران

## دیدید که آسمان به زمین نیامد



سیامک رحمانی

بازشدن درهای استادیوم آزادی به روی زنان در روزهای اخیر رویدادی فرخنده بوده و با شغف و خشنودی از آن استقبال شده است. اتفاقی که در دو هفته گذشته فضای فوتبال ایران را دگرگون کرده و از محافل داخلی تا رسانه‌های بین‌المللی به آن پرداخته‌اند و آن را حرکتی رو به جلو ارزیابی کرده‌اند. این تغییر حتی اگر برخلاف میل دولتمردان هم اتفاق افتاده باشد -که همه واقعتاً را می‌دانیم- برای هواداران ورزش، بانوان و اکثریت جامعه آقدامی ستودنی است و باید بابت آن از مسئولان تشکر کرد. آرزویی دیرینه که بالاخره در تابستان ۱۴۰۰ رخ داد. چهره‌های اشک‌بار از خوشی و صحنه‌های شوق‌انگیزی که در ورزشگاه دیدیم، گواهی می‌داد چه انتظار و خواسته بزرگی تا امروز به تأخیر افتاده و حالا چه انگیزه و روحیه‌ای در دختران زنده شده است. نکته تأمل‌برانگیز هم این بود که در این روزها با انتقاد و مشکل جدی از هیچ سوئی مواجه نبودیم و معلوم نیست مخالفان سینه‌چاک با کدام بخش از این حضور مشکل داشته‌اند که حالا سکوت کرده‌اند. سؤالی که ذهن بسیاری را درگیر کرده، این است که پس از آن همه مخالفت، حالا که زنان در استادیوم به تماشای فوتبال نشستند چه بحرانی پیش آمده و چه آسمانی به زمین آمده است. این جرم سهمگین و وحشتناکی که تا امروز تلاش شده بود از آن پیشگیری شود، چه بود؟ همه شاهدیم که در بازی‌های اخیر تیم‌های بزرگ پایتخت، خانواده‌های‌مان به استادیوم می‌روند و جز شادی و شور به بار نیاورده‌اند؛ نه قند و فشار مسئولی افتاده، نه قلب کسی گرفته و نه خون از دماغ کسی آمده. بازیکنان فوتبال از این هوای تازه راضی به نظر می‌رسند و فضای استادیوم برای برگزاری مسابقه مناسب‌تر است.

می‌پرسیم حالا که چنین تصمیم عاقلانه‌ای گرفته شده و تقریباً تمام بازتاب‌هایش مثبت بوده، چه کسی جواب همه این سال‌های محرومیت و دوری را می‌دهد؟ چه کسی پاسخ‌گوست که چرا چند نسل از زنان ایرانی از حق طبیعی خود محروم بوده‌اند؟ بابت همه دل‌هایی که دور از استادیوم فشرده شد، همه رنج‌ها و بابت جان از دست‌رفته دختر آبی چه کسی حاضر است جلو بیاید و توضیحی بدهد؟ این سؤال هم برای یادآوری زخم‌های کهنه نیست؛ ما همچنان با محدودیت‌ها و قوانین آزارنده و منحصربه‌فردی مواجهیم که به همین اندازه تغییرپذیرند؟ کنشایش‌هایی که می‌توانند روحیه‌بخش باشند. آب هم در دل کسی -جز اقلیتی ناچیز- تکان نخواهد خورد. ممنوعیت‌هایی فرساینده که بافشاری و لجاجت‌های کودکانه، اجازه برچیده‌شدن‌شان را نمی‌دهد.

سؤال دیگر این است که چرا فقط تهران؟ همه دیده‌اند که برای راه‌دادن زنان به استادیوم آزادی نیاز به ترند ویژه و زیرساخت خاصی نبوده و ادعاهای گذشته فقط بهانه‌تراشی بوده است. زنان به ساده‌ترین شکل ممکن به ورزشگاه رفته‌اند و هر هفته هم تعداد بسیاری‌شان پشت در می‌ماند؛ اما چرا این اتفاق نمی‌تواند در شهرستان‌ها بیفتد؟ چرا در اصفهان و اهواز و حتی مشهد شاهد حضور زنان در مسابقات نیستیم؟

ادامه در صفحه ۵

**ابهام در سرنوشت برجام؛ قلدری آمریکا و درخواست‌های پادمانی ایران، دو قطبی جدیدی را نشان می‌دهد**

## خمیازه برجام

۳

دفاع رستم قاسمی از مشاور بازداشتی‌اش

## اتهامات «گمانه‌زنی» است

۲

فعالیت‌های معدنی آرامش بهشت گمشده را برهم زده‌است

## تالاب باستانی سی‌سر نیشابور در آستانه ثبت ملی

**سعید صفارنی:** «به‌طور طبیعی در اینجا نباید این برکه‌ها وجود داشته باشد»؛ این گفته محمدرضا دلفقندی، کارشناس مسئول زیستگاه‌های اداره کل حفاظت محیط زیست خراسان رضوی است. در ۴۵کیلومتری نیشابور به سمت سرولایت در کنار روستای تاریخی زرنده در دل کوهستان برکه‌هایی از دل زمین جوشیده که حتی برای ساکنان محلی هم شگفت‌انگیز است. محلی‌ها این برکه‌ها را سی‌سر می‌نامند. برای به‌دست‌آوردن اطلاعات بیشتر سریع اینترنت می‌روم اما به‌جز چند پاراگراف مطالب پراکنده، اطلاعات زیادی درباره این تالاب وجود ندارد. با اداره حفاظت محیط زیست نیشابور تماس می‌گیرم و از خوش‌شانسی با گروه طبیعت‌گردی که قرار است به‌زودی به این منطقه بروند آشنا می‌شوم. صبح زود برای دیدن دریاچه‌ای اسرارآمیز سی‌سر به همراه گروه طبیعت‌گرد و حامیان محیط زیست راهی می‌شوم.

این گزارش را در صفحه ۱۰ بخوانید



**گفت‌وگویی احمد غلامی با مسعود نیلی درباره تاریخ توسعه در ایران**

# درگیری تاریخی تکنوکرات‌ها با سیاست‌مداران



● عکس: سهند تاقی، شرق

مسعود نیلی در گفت‌وگو بسیار منضبط است؛ خوی و منشی که از دانشگاهی بودن او نشئت می‌گیرد. در این گفت‌وگو که به سرنوشت توسعه در دوران تاریخی حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی پرداخته می‌شود، با فرازونشیب‌های توسعه از دیدگاه شخصی آشنا می‌شویم که هم دانشگاهی است و هم در دهه‌های بالای دولتی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی نقش داشته است. برنامه سوم توسعه در دوران اصلاحات با مشارکت جدی مسعود نیلی نوشته شده و او یکی از مشاوران مهم اقتصادی در دولت روحانی و دستیار امور اقتصادی رئیس‌جمهور بوده است.

با مسعود نیلی درباره تاریخ توسعه در ایران به گفت‌وگو نشستیم‌ایم که بخش اول آن را می‌خوانید. نیلی در این‌بخش از گفت‌وگو به برنامه‌های توسعه و سوابق تاریخی آن در کشور ما می‌پردازد و در بخشی دیگر از گفت‌وگو که فردا منتشر می‌شود، از تجربیات خود به‌عنوان مشاور امور اقتصادی در برخی از دولت‌های بعد از انقلاب می‌گوید…

این گزارش را در صفحه ۶ بخوانید

### یادداشت

## امیدآفرینی؛ از خیال تا واقعیت



حسین حفقو کارشناس اقتصادی

وزیر صمت به‌تازگی در سخنانی از «مناسب» بودن وضعیت تولید در سطح کلان سخن گفتند و اینکه «وضعیت صادرات کشور» هم «بسیار مطلوب» شده است. ایشان البته اعداد و ارقامی را هم ذکر کرده‌اند و از جمله اینکه «فقط ۳.۵ میلیارد دلار با اینکه بگوییم نفت دیگر در تأمین ارزی کشور اثری ندارد، فاصله داریم» (رسانه‌ها، ۱۳ شهریور) که با بهت و حیرت اکثر کارشناسان مواجه شد.

امیدآفرینی و ایجاد فضای مثبت در حوزه تولید صنعتی امری قطعاً لازم و ضروری و پسندیده است. آن هم در روز و روزگاری که از در دیوار اخبار منفی و ناامیدکننده می‌بارد و امکان بهبودی وضعیت و تحول مثبت امور را کاری بعید و طاقت‌فرسا می‌نمایاند. اما این امیدآفرینی باید بر یک سری اصول و مبانی استوار باشد تا امکان بناکردن خانه توسعه روی این سنگ‌نا را امکان‌پذیر کند.

در همین ایام اخیر گزارشی از معتبرترین نهاد صنعتی جهان یعنی سازمان توسعه صنعتی ملل متحد «یونیدو» منتشر شد که در آن وضعیت نگران‌کننده صنعت کشورمان را نشان می‌دهد. این گزارش که به وضعیت رقابت‌پذیری صنعتی در کشورهای مختلف می‌پردازد، درباره کشورمان از جمله عنوان می‌کند که «سهام صادرات صنعتی از کل صادرات ایران دوسوم میانگین جهانی است و درحالی‌که حدود ۶۰ درصد تولیدات صنعتی کشورها صادر می‌شود، این رقم درباره ایران کمتر از ۴۰ درصد است». همچنین به این نکته مهم اشاره می‌کند که تولیدات صنعتی ایران نیز عمدتاً منبع‌محور است. چنان‌که طبق این گزارش عمده تولیدات صنعتی کشورمان عبارت‌اند از فراورده‌های نفتی و کک (۱۹.۱۵درصد)، مواد و محصولات شیمیایی (۱۸.۷۱درصد)، محصولات غذایی و خوراک‌